دوفصلنامه علمی ـ ترویجی مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث
سال چهاردهم/ شماره ۲۶/ بهار و تابستان ۱۴۰۵

Bi-Quarterly Scientific Promotional Journal of Comparative Quran & Hadith
Year 14 / Issue, No 26/ Spring & Summer 2026

تفسیر تطبیقی حق تلاوته از دیدگاه مفسران فریقین*

□ مهدی گل‌بخش منشادی **

چکیده

آیه ۱۲۱ سوره بقره از آیات مهم قرآن در تبیین جایگاه تلاوت حقیقی کتاب الهی است. پژوهش حاضر با رویکرد تطبیقی، دیدگاه‌های مفسران فریقین را در سه محور شأن نزول، مراد از «الذین آتیناهم الکتاب» و مفهوم «حق تلاوت» بررسی می‌کند. در تفاسیر شیعه، شأن نزول آیه به اهل کتاب ایمان‌آورنده، اصحاب پیامبرﷺ و برخی راهبان مسیحی نسبت داده شده و «حق تلاوت» ناظر بر تدبر، عمل به احکام، پرهیز از تحریف، امید به وعده و ترس از وعید الهی دانسته شده است. در تفاسیر اهل سنت نیز شأن نزول غالباً درباره اهل کتاب مؤمن به پیامبرﷺ ذکر شده و «حق تلاوت» شامل پیروی از کتاب، عمل به محکمات، ایمان به متشابهات، قرائت صحیح همراه با تدبر و دوری از تحریف معرفی شده است. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد هر دو مکتب در اصول برداشت از آیه اشتراکات زیادی دارند، اما مفسران شیعه بیشتر بر بُعد روایی و عملی و اهل سنت بر جنبه‌های ادبی و نحوی تأکید کرده‌اند. در نهایت، تلاوت حقیقی در نگاه هر دو گروه، فراتر از قرائت لفظی و دربرگیرنده فهم، تدبر و عمل به قرآن است.

کلیدواژه‌ها: تفسیر تطبیقی، آیه ۱۲۱ بقره، حق تلاوت، شأن نزول، مفسران فریقین.

---

* تاریخ وصول: ۱٤۰٤/۸/٤ تاریخ تصویب: ۱٤۰٥/٤/۲۰.

** دانش آموخته دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم (Golbakhsh.manshadi@gmail.com).

مقدمه

یکی از آیات مهمی که در باب تلاوت مطرح است، آیه ۱۲۱سوره بقره است که خداوند متعال می‌فرماید:

الّذینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یَتْلُونَهُ حَقّ تِلاوَتِهِ أُولئِکَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ یَکْفُرْ بِهِ فَأُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُونَ کسانی که کتاب [الهی] به آنها دادهایم [و] آن را چنان که شایسته آن است می‌خوانند [و پیروی می‌کنند]؛ ایشانند که بدان ایمان می‌آورند؛ و کسانی که بدان کفر ورزند، پس فقط آنان زیانکارند.

در این آیه شریفه خداوند متعال به دو واکنش متفاوت مردم در برابر کتاب‌های آسمانی و پیامدهای آن‌ها اشاره می‌کند و در برابر یهودیان و مسیحیانی که به سبب لجاجت و سرکشی مورد انتقاد قرار گرفتند، گروهی از آنان مورد تمجید و قدردانی خداوند قرار گرفته‌اند؛ آنان کسانی هستند که به کتاب‌های آسمانی مراجعه کرده و نشانه‌های ظهور و بعثت پیامبر اسلامﷺ را در آن دیده و به او ایمان می‌آورند.

در باب آیه فوق سه بحث عمده مطرح می‌شود:

۱. شأن نزول آیه

۲. مراد از الّذینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ

۳. مراد از حق تلاوت

با توجه به لزوم دستیابی به نظرات هر یک از مفسران فریقین، ادامه بحث به دو دسته شیعه و اهل سنت تقسیم شده و نظرات هر کدام از مفسران در باب سه نکته فوق مطرح خواهد شد.

تفاسیر شیعه

ابتدا تفسیر آیه را از منظر مفسران شیعه بررسی می‌کنیم و سپس آراء مفسران اهل سنت بیان خواهد شد.

شأن نزول:

مفسران شیعه درباره شأن نزول آیه ۱۲۱سوره بقره احتمالات مختلفی را مطرح کرده‌اند:

الف) بعضی از مفسران معتقدند که این آیه درباره افرادی که با "جعفر بن ابی‌طالب" از حبشه آمدند و از کسانی بودند که در آنجا به او پیوستند نازل شد، آنها چهل نفر بودند، سی و دو نفر اهل حبشه، و هشت نفر از راهبان شام که "بحیرا" راهب معروف نیز جزء آنان بود (رازی، ۱۳۶۵: ۲/ ۱۳۵).

ب) عده‌ای گفته‌اند که این آیه درباره اهل کتابی نازل شده است که به پیامبر اکرمﷺ ایمان آورده بودند مانند عبدالله بن سلام و شعبة بن عمرو (کاشانی، ۱۴۲۳: ۱/ ۲۲۲).

ج) عده‌ای نیز گفته‌اند که این آیه شریفه درباره اصحاب پیامبر اکرمﷺ نازل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/ ۳۷۴).

تفسیر آیه

با توجه به شأن نزول‌های ذکر شده، در این که مراد از «**الّذینَ آتَیناهُمُ و الْکِتابَ**» کیست مفسران احتمالات مختلفی ذکر کرده‌اند. شیخ طوسی به دو قول در این زمینه اشاره کرده و براساس نظر جبایی، «الّذین» را همان اصحاب پیامبرﷺ و «الْکِتابَ» را نیز به قرآن کریم تفسیر کرده است (طوسی، ۱۴۰۹: ۱/ ۴۴۱) و در ادامه نیز به نظر ابن زید اشاره می‌کند که بر اساس آن «الّذینَ» همان یهودیانی بودند که به پیامبرﷺ ایمان آوردند و «الْکِتابَ» نیز توارت است.

علامه طباطبایی نیز معتقد است مراد از «الّذینَ» عده‌ای از اهل کتاب می‌باشند که از هوای نفس پیروی نکردند و مراد از «الکتاب» نیز تورات و انجیل است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/ ۲۶۵-۲۶۶). البته در ادامه نیز اشاره می‌کند که ممکن است مقصود مؤمنان به پیامبر خداﷺ بوده و کتاب هم همان قرآن باشد (همان: ۱/ ۲۶۶) که نویسنده تفسیر اطیب البیان نیز این نظر را تأیید می‌کند و دیگر نظرات را با توجه به روایات مردود می‌داند (طیّب، ۱۳۶۶: ۲/ ۱۷۵).

جوادی آملی معتقد است واژه «الکتاب» در آیه مورد بحث معنای جامعی دارد که قرآن را هم شامل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۶/ ۳۸۱).

حق تلاوت

پیش از ورود به تبیین مفهوم حق تلاوت، لازم است ابتدا به معنای واژه تلاوت در لغت و اصطلاح پرداخته شود.

تلاوت در لغت

اصل آن از ماده تلو به معنی پیروی کردن است (فراهیدی، ۱۱۴۱۰: ۸/ ۱۳۴) چرا که وقتی عرب می‌گوید: تلا، منظورش اتبع است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴/ ۱۰۲) البته آن هم به گونه‌ای که بین تابع و متبوع هیچ‌گونه فاصله‌ای وجود نداشته باشد. ابن فارس می‌گوید: ریشه «ت ل و» یک معنا بیش ندارد و آن در پی آمدن (اِتْباع، اتّباع) است و چون در خواندن قرآن آیات در پی یکدیگر می‌آیند، به آن «تِلاوة القرآن» گفته شده است (ابن فارس، ۱۴۰۹: ۱/ ۳۵۱).

راغب اصفهانی نیز همین معنا را برای ریشه مذکور بیان کرده و گفته است به خواندن قرآن و اندیشیدن در معانی آن تلاوت می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶: ۱۶۷) وی می‌گوید: این پیروی گاهی در امور جسمانی است و گاهی اقتداء در حکم (همان). با توجه به همین معنی، واژه تلاوت در مورد خواندن به کار می‌رود چرا که در تلاوت کلمات پشت سر هم آورده می‌شود و اکثراً در مورد خواندن قرآن کاربرد دارد (طریحی، ۱۳۷۵: ۱/ ۷۰).

تلاوت در اصطلاح

مفسران نیز تلاوت را به معنای خواندن و بر گرفته از معنای اصلی آن (در پی آمدن) دانسته‌اند؛ از جمله، شیخ طوسی می‌نویسد: «و أصل الباب: الاتباع. فتسمی التلاوة بذلك، لاتباع بعض الحروف فیها بعضاً» (طوسی، ۱۴۰۹: ۱/ ۱۹۹). طبرسی نیز در این باب می‌گوید: «تلا یتلو تلاوة أی: قرأ. وتلا یتلو تلوا أی: تبع. وأصل التلاوة منه، لاتباع بعض الحروف فیها بعضا» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/ ۱۹۱).

در قرآن کریم بر فضیلت تلاوت قرآن تأکید شده است، از جمله در آیه ۲۹ سوره فاطر آمده است که تلاوت صحیح و حقیقی قرآن، تجارتی بدون زیان است. لفظ تلاوت فقط یک

بار در قرآن کریم آمده «**إِنَّ الَّذينَ يَتْلُونَ كِتابَ اللهِ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْناهُمْ سِرًّا وَ عَلانِيَةً يَرْجُونَ تِجارَةً لَنْ تَبُور**» (بقره: ۱۲۱) اما مشتقات آن بیش از پنجاه بار به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۹۳: واژه تلا). با نگاهی گذرا به آیات قرآن کریم، می‌توان گفت آیاتی که در آن‌ها از مشتقات تلو استفاده شده است سه دسته‌اند:

الف) دسته‌ای که تلو در آنها به طور قطع به معنای پیروی کردن است مثل: «**وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا**» (شمس: ۲)

ب) دسته‌ای که به جز خواندن و قرائت کردن نمی‌توان معنی دیگری برای تلاوت در نظر گرفت مثل «**رَبّنا وَ ابْعَثْ فيهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِك...**» (بقره: ۱۲۹) «**وَ اتْلُ عَلَيهِمْ نَبَأَ الَّذى آتَيناه آياتِنا فَانْسَلَخَ مِنْها فَأَتْبَعَهُ الشَّيطانُ فَكانَ مِنَ الْغاوينَ**» (اعراف: ۱۷۵) یا «**وَ ما كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتابٍ وَ لاتَخُطُّهُ بِيمِينِكَ إِذاً لَارْتابَ الْمُبْطِلُون**» (عنکبوت: ۴۸).

بررسی آیات نشان می‌دهد که در همه مواردی که در قرآن فعل «فلا یتلوا» با حرف علی، استعمال شده به معنی قرائت و خواندن می‌باشد.

ج) دسته‌ای درباره معنی آنها اختلاف است که آیا به معنای پیروی کردن است یا به معنی خواندن. مثل: «**الَّذينَ آتَيناهُمُ الْكِتابَ يتْلُونَهُ حَقَّ تِلاوَتِهِ أُولئِكَ يؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ يكْفُرْ بِهِ فَأُولئِكَ هُمُ الْخاسِرُونَ**» (بقره: ۱۲۱)، «**إِنَّ الَّذينَ يتْلُونَ كِتابَ اللهِ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْناهُمْ سِرًّا وَ عَلانِيةً يرْجُونَ تِجارَةً لَنْ تَبُورَ**» (فاطر: ۲۹) که عده‌ای معنی را تبعیت گرفته‌اند و عده‌ای صرف خواندن. گرچه می‌توان به یقین گفت که در این آیات، صرف خواندن را برای معنی تلاوت در نظر گرفت؛ چرا که آیاتی از این دست در مقام مدح شایستگی والائی است که ایمان به مقدسات را به حد اعلای خود به دست آورده‌اند و این جز با تلاوت دقیق در آیات وحی حاصل نمی‌شود. از طرفی بسیارند افرادی که متأسی به آیات وحی‌اند درحالی که همین آیات، آن‌ها را لعنت می‌کند.

تفاوت میان تلاوت و قرائت

در باب تفاوت میان دو واژه تلاوت و قرائت می‌توان گفت سه دیدگاه بیان شده است.

الف) طبرسی در مجمع البیان می‌گوید: تلاوت مانند قرائت است و متلو مانند مقروء. و تلاوت، غیر از متلو است همان طور که حکایت غیر از محکی است، پس متلو و محکی آن کلام اول است و تلاوت و حکایت، اعاده آن است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/ ۵۸۹). قابل توجه این که لازمه نظر طبرسی این است که خداوند درباره خود، فعل تلاوت را به کار نبرد، بلکه خواندن پیامبرﷺ با مردم تلاوت باشد، در حالی که خداوند در مواردی در قرآن می‌فرماید: «**تِلْكَ آيَاتُ اللّهِ نَتْلُوها عَلَيْكَ بِالْحَقّ وَ إِنّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلين**» (بقره:۲۵۲؛ آل عمران: ۱۰۸؛ جاثیه: ۶).

ب) برخی می‌گویند که تفاوت میان قرائت و تلاوت آن است که تلاوت در دو کلمه یا بیشتر به کار می‌رود و حال آن که قرائت برای یک کلمه نیز می‌باشد و مثلاً می‌گویند: «قرأ فلان اسمه»، ولی در این مورد نمی‌گویند: «تلا فلان اسمه» و توضیح آن است که تلاوت در اصل به معنای پیروی کردن چیزی از چیز دیگر است پس تلاوت درباره کلماتی که برخی از آنها از برخی دیگر پیروی کند، می‌باشد و در مورد یک کلمه تلاوت گفته نمی‌شود (عسکری، ۱۳۷۰: ۱۴۰).

ج) عده‌ای گفته‌اند که تلاوت، ویژه پیروی از کتاب‌های نازل شده از جانب خداست، گاه به قرائت و گاه به توجه و عمل به آن چه در آن‌هاست از امر و نهی و ترغیب و ترهیب و آن اخص از قرائت است، پس هر تلاوتی قرائت است، ولی هر قرائتی تلاوت نیست. به طور مثال گفته نمی‌شود نامه‌ات را تلاوت کردم (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶: ۱۶۷).

تَلَا یعنی به طوری از او پیروی کرد که میانشان چیز دیگری حائل نبود. پیروی و متابعت بدون حائل و واسطه. این گونه پیروی، گاهی متابعت جسمی است و گاه با اقتداء و فرمانبری در حکم، که مصدرش- تُلُوّ و تِلْو است و گاهی نیز پیروی و پیاپی خواندن و تدبّر و اندیشه است که مصدرش، تِلَاوَة است، و در آیه «وَ الْقَمَرِ إِذا تَلاها» که در این جا- تلیها- یعنی اتّباع و از پی رفتن به گونه اقتداء و پیروی مرتبه پائین‌تر از مرتبه و درجه بالاتر است، زیرا گفته شده که ماه نورش را از خورشید اقتباس می‌کند و خورشید برای ماه به منزله خلیفه است، از این روی خداوند در آیه «**جَعَلَ الشّمْسَ ضِياءً وَ الْقَمَرَ نُوراً**» (یونس: ۵) خبر می‌دهد که ارزش و قدرت نور در واژه (ضیاء) به مراتب بالاتر از مفهوم واژه نور است زیرا هر ضیائی نور است ولی هر نوری (ضیاء) نیست (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶: ۱۶۷). با توجه به موارد استفاده واژه

قرائت در قرآن کریم و مقایسه آن با تلاوت مشخص می‌شود که در نظر راغب اصفهانی واژه قرائت به معنای عام ولی تلاوت را به معنای خاص می‌داند که فقط در مورد کتب آسمانی به کار برده شده است، در حالی که ظاهراً تلاوت قرائتی است که همراه با تدبر و تفهم باشد که معمولاً در مورد کتب آسمانی به کار می‌رود. در قرآن کریم واژه تلاوت برای غیر از کتب آسمانی هم استفاده شده است، مانند: «**وَ اتَّبَعُوا ما تَتْلُوا الشَّياطينُ عَلى مُلْكِ سُلَيْمان** ...» (بقره: ۱۰۲) که در آن هم خواندن صرفاً خواندن نبوده، بلکه خواندنی بوده که پیروی و تبعیت به دنبالش قرار داشته است.

بررسی مفهوم حق تلاوت

نکته مهمی که در این آیه شریفه مطرح شده است حق تلاوت است. بر اساس آیه شریفه فوق، حق تلاوت نشانه ایمان شمرده شده است. در روایاتی از پیامبر اکرمﷺ اهل قرآن به حق تلاوت امر شده‌اند. آن حضرتﷺ می‌فرماید: «**يا أَهْلَ الْقُرْآنِ، لَا تَوَسَّدُوا الْقُرْآنَ، وَ اتْلُوهُ حَقَّ تِلاوَتِه**» (شریف رضی، بی‌تا: ۵۵)؛ «ای اهل قرآن! قرآن را بالش و تکیه‌گاه (برای راحتی و وسیله‌ای صرفاً ظاهری) قرار ندهید، بلکه آن را چنان که شایسته است تلاوت کنید»؛ در واقع «لا توسّدوا القرآن» کنایه از این است که قرآن نباید فقط به عنوان وسیله زینت یا چیزی برای کنار گذاشتن و بی‌عملی باشد، بلکه باید با تلاوت درست و عمل همراه گردد.

در روایاتی طولانی از امام علی‌ؑ نقل شده است که حضرت می‌فرماید: «... و **لَنْ تَتْلُوا الْكِتَابَ حَقّ تِلَاوَتِهِ حَتّى تَعْرِفُوا الَّذِي حَرّفَه**...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸/ ۳۹۰)؛ و هرگز قرآن را چنان‌که شایسته تلاوت است تلاوت نمی‌کنید تا آنها را که تحریفش کردند بشناسید. بر اساس این روایت شریف، نایل شدن به حق تلاوت در گرو شناخت عوامل تحریف قرآن کریم است و تا وقتی آن عوامل شناسایی نشده نمی‌توان به حق تلاوت دست یافت.

شاید به همین جهت باشد که عدم تحریف کتاب از معانی حق تلاوت شمرده شده است. بر اساس روایات، کسانی که حق تلاوت قرآن را ادا می‌کنند، تنها امامان معصومﷺ می‌باشند. عیاشی از ابی‌ولاد نقل می‌کند: «**سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عَنْ قَوْلِهِ** «**الَّذِينَ آتَيْناهُمُ**

الْكِتابَ يَتْلُونَهُ حَقّ تِلاوَتِهِ أُولئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ» قَالَ: فَقَالَ هُمُ الْأَئِمه» (عیاشی، ۱۳۳۹: ۱/ ۵۷). البته باید توجه داشت که حدیث مزبور از سنخ تطبیق است، نه تفسیر و همچنین بیان مصداق کامل است، نه مصداق منحصر.

اما در این که حق تلاوت چیست مفسران شیعه نظرات مختلفی را مطرح کرده اند؛ طبرسی در مجمع البیان به ۵ قول در این زمینه اشاره می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/ ۳۷۴-۳۷۵) که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

الف) حق اتباع: یعنی از کتاب تبعیت می‌کنند و آن را تحریف نمی‌کنند و سپس حلال آن را یاد می‌گیرند و از حرام آن خودداری می‌کنند. شیخ طوسی به این معنا اشاره کرده است (طوسی، ۱۴۰۹: ۱/ ۴۴۱).

ب) شناخت درست پیامبرﷺ: یعنی اهل کتاب پیامبر اکرمﷺ را با توجه به توصیف پیامبر در کتب آنان، به صورت کامل شناخت داشتند. بر اساس این معنا ضمیر «هـ» در حق تلاوته به پیامبر اکرمﷺ بر خواهد گشت نه به کتاب (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/ ۳۷۴).

ج) توقف در وعد و وعید: بر اساس روایتی از امام صادقؑ که می‌فرماید: «**حَقّ تِلَاوَتِهِ هُوَ الْوُقُوفُ عِنْدَ ذِكْرِ الْجَنهِ وَ النّارِ- يَسْأَلُ فِي الْأُولَى وَ يَسْتَعِيذُ مِنَ الْأُخْرَى**» (حر عاملی، ۱۳۹۱: ۶/ ۲۱۷)، عده‌ای گفته‌اند حق تلاوت این است که هر گاه به آیاتی که بیان جنت است و به عبارتی در مقام وعد است، توقف کرده و آن را از خداوند درخواست کنند و هرگاه به آیاتی که مربوط به آتش و به عبارت دیگر مربوط به وعید است، در آن هنگام توقف کنند و از آن به خداوند متعال پناه ببرد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/ ۳۷۵).

فیض کاشانی نیز با تکیه بر روایت یادشده، همین دیدگاه را برگزیده و بیان می‌کند که مراد از «يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلاوَتِهِ» آن است که قاری قرآن هنگام برخورد با آیات بهشت و دوزخ، در برابر آیات مربوط به بهشت دعا و درخواست می‌نماید و در برابر آیات دوزخ به خدا پناه می‌برد (فیض کاشانی، ۱۴۱۹ق: ۱/ ۱۸۵). شیخ طوسی نیز در کتاب خود به این وجه اشاره کرده است (طوسی، ۱۴۰۹: ۱/ ۴۴۲).

د) قرائت تام و فهم معانی: از دیگر وجوهی که طبرسی بدان اشاره می‌کند این است که

عده‌ای گفته‌اند مراد از حق تلاوت این است که کتاب به صورت تام قرائت شده و الفاظ آن به صورت ترتیل خوانده شود و معانی آن نیز فهمیده شود.

هـ) عمل به کتاب: وجه پنجمی که طبرسی ذکر می‌کند این است که حق تلاوت یعنی عمل نمودن بر کتاب به صورتی که به محکمات کتاب عمل کند و به متشابهات آن ایمان داشته باشد و هر آنچه از کتاب را که نمی‌داند به عالم و اهلش واگذار کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/ ۳۷۵).

از دیگر وجوهی که مفسران شیعه آن را درباره معنای حق تلاوت مطرح کرده‌اند تدبر است. علامه طباطبایی در ذیل بحث روایی مربوط به آیه شریفه بعد از نقل احادیث مربوطه می‌نویسد: «و المراد به التدبر» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/ ۲۶۶).

نویسنده تفسیر اطیب البیان نیز با استفاده از روایات حق تلاوت را همان تدبر در آیات قرآن کریم می‌داند که غرض اصلی از انزال قرآن نیز همین است (طیب، ۱۳۶۶: ۲/ ۱۷۵).

همچنین جوادی آملی به این نکته اشاره داشته و می‌نویسد: «کسانی که کتاب آسمانی را به حق تلاوت کنند، چون «حق تلاوت» با تدبّر منصفانه آمیخته است به آن ایمان می‌آورند» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۶/ ۳۸۱).

شاید بتوان گفت روایتی که از امام صادق‌علیه‌السلام نقل شده است جامع وجوهی است که ذکر شد. امام صادق‌علیه‌السلام در توضیح «**الَّذِينَ آتَيْناهُمُ الْكِتابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلاوَتِهِ**» می‌فرماید:

> مراد این است که آیات آن را صحیح می‌خوانند و مراعات وقف و وصل و سایر آداب قرائت را می‌نمایند و در معانی آن دقّت می‌کنند و به احکام آن عمل می‌کنند و به وعده‌های آن امیدوارند و از وعیدهای آن می‌ترسند، از قصّه‌های آن عبرت می‌گیرند و به آنچه امر شده در آن می‌پذیرند و از آنچه نهی شده در آن باز می‌ایستند و به خدا قسم مراد حفظ آیات آن و درس حروف آن نیست و خواندن سوره‌های آن و درس ده قسمت و پنج قسمت آن منظور نیست، حروف آن را حفظ می‌کنند و حدود آن را ضایع می‌کنند و جز این نیست که مراد تدبّر در آیات آن است و عمل کردن به احکام آن ... (دیلمی، ۱۴۱۲: ۱/ ۷۸).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود روایت فوق هشت نکته را مورد توجّه قرار داده است:

۱. ترتیل آیات؛ ۲. تفقّه در آیات؛ ۳. عمل به آیات؛ ۴. امید به وعده‌ها؛ ۵. ترس از وعیدها؛ ۶. عبرت از داستان‌ها؛ ۷. انجام اوامر الهی؛ ۸. ترک نواهی.

در پایان نیز امام صادق‌علیه‌السلام فرمود: حقّ تلاوت تنها حفظ آیات، درس حروف، قرائت و تجوید نیست. پس می‌توان گفت جامع همه وجوه و نظرات ذکر شده همان تدبر است که به عمل منتهی می‌شود. البته تدبّر کردن در یک آیه، یا سوره یا بخشی از قرآن برای قرآن‌شناسی کامل و برای پژوهش نهایی کافی نیست بلکه خداوند انسان‌ها را به تدبر در کل قرآن تشویق و ترغیب می‌کند تا پس از احاطه بر سراسر قرآن، در حدی که برای انسان عادی مقدور است، هماهنگی سراسر قرآن با یکدیگر را ببیند و از این رو است که خداوند متعال می‌فرماید: «**أَ فَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْءَانَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِندِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُواْ فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا**» (نساء: ۸۲) و آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند؟ و اگر (بر فرض) از طرف غیر خدا بود، حتماً در آن اختلاف فراوانی می‌یافتند.

جوادی آملی وجوه مختلف ذکر شده درباره حق تلاوت را تفسیر آفاقی آن دانسته و می‌نویسد:

> برای حق تلاوت درجات برینی است و آنچه درباره آن گفته شده از قبیل صیانت از هرگونه تحریف، قرائت صحیح مطابق با آداب و سنن تجوید، تدبّر در معانی، و ایمان کامل به آن در جهت عقیده و اخلاق و عمل صالح، معنای متوسط و تفسیر آفاقی حق تلاوت است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۶/ ۳۸۳).

تاکنون نظر مفسران شیعه در باب آیه ۱۲۱ سوره بقره تبیین شد در ادامه به تفاسیر اهل سنت خواهیم پرداخت.

تفاسیر اهل سنت

همان‌گونه که اشاره شد در آیه ۱۲۱سوره بقره سه بحث عمده مطرح است یعنی: ۱. شأن نزول آیه؛ ۲. مراد از «**الَّذِينَ آتَيناهُمُ الْكِتابَ**»؛ ۳. مراد از حق تلاوت.

شأن نزول

درباره بحث اول، طبرانی به نقل از ابن عباس شأن نزول آیه شریفه را اهل سفینه می‌داند یعنی افرادی که با "جعفر بن ابی‌طالب" از حبشه آمدند و از کسانی بودند که در آنجا به او پیوستند نازل شد، آنها چهل نفر بودند، سی و دو نفر اهل حبشه، و هشت نفر از راهبان شام که "بحیرا" راهب معروف نیز جزء آنان بود (طبرانی، بی‌تا: ۱/ ۲۳۷) مفسرانی چون ابوحیان اندلسی، محمد خازن، سیواسی و بغوی نیز همین شأن نزول را بر می‌گزینند و باقی احتمالات را با عبارت «قیل» ذکر می‌کنند (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۱/ ۵۹۱؛ خازن، ۱۳۹۹: ۱/ ۷۵؛ سیواسی، ۱۴۲۷: ۱/ ۷۲؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۱/ ۱۶۱).

تفسیر آیه

اما درباره این مطلب که مقصود از «الّذینَ» و «الْکِتابَ» چیست اقوال مختلفی در این باب مطرح شده است:

الف) برخی گفته‌اند که «الذین»، یهودیانی هستند که به پیامبر اکرمﷺ ایمان آورده بودند مانند عبدالله بن سلام، شعبة بن عمرو و... و «الکتاب» نیز همان تورات است (ماوردی، بی‌تا: ۱/ ۱۸۲) که طبری این قول را با توجه به آیات قبل و قرینه سیاق نزدیک‌تر به صواب می‌داند (طبری، ۱۴۰۶: ۱/ ۴۱۱).

ب) بعضی می‌گویند «الذین» اصحاب پیامبر اکرمﷺ است و «الکتاب» نیز همان قرآن کریم (طبرانی، بی‌تا: ۱/ ۲۳۷)

ج) عده‌ای هم گفته‌اند که مراد از «الذین» مطلق مؤمنان می‌باشند (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۱/ ۲۶۶) که در این صورت هم شامل یهودیانی که به پیامبر اکرمﷺ ایمان آورده‌اند می‌شود و هم شامل اصحاب آن حضرتﷺ (قرطبی، ۱۳۷۸: ۲/ ۹۵) و در این صورت الکتاب اسم جنس خواهد بود و شامل کتب آسمانی خواهد شد (ابن جزی، ۱۴۱۶: ۱/ ۹۶).

د: برخی از مفسرین اهل سنت، «الذین» را به مؤمنین از یهود و نصاری و «الکتاب» را نیز به تورات و انجیل تفسیر کرده‌اند (ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۱/ ۲۱۷؛ بیضاوی، ۱۴۲۱: ۱/ ۱۰۳).

سیوطی در الدر المنثور روایتی نقل کرده که مؤید این دیدگاه است. او گزارش می‌کند که عبدالرزاق از قتاده روایت کرده است که مقصود از عبارت «**الّذین آتَیْناهُمُ الکتاب**» در آیه، یهود و نصاری هستند (سیوطی، ۱۴۰۴: ذیل آیه).

فخر رازی ذیل آیه شریفه درباب مقصود از «الذین» و «الکتاب» به دو قول اشاره کرده و برای هر کدام دلایلی را مطرح می‌کند به اعتقاد وی بر اساس قول نخست، مقصود از آنان، مؤمنانی هستند که خداوند قرآن را به ایشان عطا کرد. برای این دیدگاه چند دلیل آورده‌اند: ۱. اینکه خداوند فرموده است: «یَتْلُونَهُ حَقَّ تِلاوَتِهِ»، تشویق و ترغیبی به تلاوت این کتاب و ستایشی بر آن تلاوت است، و کتابی که شایسته چنین وصفی است قرآن است، نه تورات و انجیل؛ زیرا قرائت آن دو جایز نیست؛ ۲. آیه «**أُولئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ**» دلالت می‌کند بر اینکه ایمان آوردن به قرآن مقصود است، و اگر منظور اهل کتاب بود، چنین معنایی درست نبود. ۳. در جمله «**وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولئِكَ هُمُ الْخاسِرُونَ**» کتابی که شایسته چنین وصفی است قرآن است.

اما بر اساس قول دوم: مراد از «کسانی که به آنان کتاب داده شد» همان یهودیانی هستند که به پیامبر ایمان آوردند. دلیل این سخن آن است که در آیات قبل، سخن از اهل کتاب بود، و چون روش نادرست آنان و کارهای زشتشان نکوهش شد، به دنبال آن ستایش کسانی آمده است که راه آنان را وانهادند، در تورات تأمل کردند، دست از تحریف آن برداشتند و از آن حقانیت نبوت محمدﷺ (فخررازی، ۱۴۲۰: ۴/ ۳۰).

حق تلاوت

اما اینکه تفسیر حق تلاوت چیست طبری در تفسیر خود به اقوال مختلفی در این زمینه اشاره کرده است که در ذیل بدان اشاره می‌شود.

۱. حق اتباع: به این معنا که به نحو احسن تبعیت می‌کنند طبری بعد از ذکر دیگر وجوه همین تفسیر را برگزیده است.

۲. وجه دومی که طبری به آن اشاره می‌کند این است که حلال آن را حلال و حرام آن را حرام می‌دانند و کتاب را تحریف نمی‌کنند.

۳. تفسیر دیگری که گفته شده این است که آنان به محکمات کتاب عمل کنند و به متشابهات آن ایمان داشته باشند و هر آنچه که از کتاب مشکل بود آن را به علماء واگذار کنند (طبری، ۱۴۰۶: ۱/ ۴۱۱).

ابن ابی حاتم نیز به وجوه مختلفی را که در تفسیر حق تلاوت مطرح شده است با ذکر روایت مربوط به آن بیان می‌کند از جمله این که هر وقت به آیات مربوط به بهشت رسیدند آن را از خدا بخواهند و هر وقت به آیه مربوط به آتش و جهنم را خواندند از آن به خداوند پناه ببرند (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۱/ ۲۱۸).

قرطبی تفسیر درست را همان تبعیت از کتاب دانسته و در رد تفسیر حق تلاوت به قرائت معتقد است که این (تفسیر) دور از ظاهر است، مگر آنکه مقصود این باشد که الفاظ آن را با ترتیل بخوانند و معانی آن را بفهمند؛ زیرا به وسیله فهم معانی است که پیروی کردن برای کسی که توفیق یافته، تحقق می‌یابد» (قرطبی، ۱۳۷۸: ۲/ ۹۵).

میبدی معانی ذکر شده را به عنوان تفسیر حق تلاوت بیان کرده و معتقد است حق تلاوت آن است که در آن تغییر و تبدیل نیارند و حلال آن حلال را دانند و حرام آن را حرام، و محکم و متشابه آن بجای خویش بشناسند، و به آن ایمان آرند، عمر بن خطاب گفته حق تلاوت آن است که چون کتاب خدا خواند به صفت بهشت رسد از خدای عز و جل بهشت خواهد و چون صفت دوزخ خواند از خدای عز و جل زینهار خواهد (میبدی، ۱۳۷۱: ۱/ ۳۴۰).

بیضاوی نیز حق تلاوت را منحصر در قرائت ظاهری ندانسته و آن را شامل سه عنصر خوانش صحیح (پرهیز از تحریف لفظی)، تدبر در معانی و عمل به مقتضای قرآن می‌داند. به عبارت دیگر، از نظر وی تلاوت به‌حق زمانی محقق می‌شود که قاری، الفاظ را به درستی ادا کند، در مفاهیم عمیق آن بیندیشد و در نهایت، دستورات و آموزه‌های آن را در رفتار و کردار خود پیاده نماید (بیضاوی، ۱۴۲۱: ۱/ ۱۰۳).

فخر رازی پس از بیان این نکته که واژه «تلاوت» گاهی به معنای «قرائت» است و گاهی به معنای «تبعیت و پیروی»، به بررسی تفاسیر مختلف ارائه شده در این زمینه می‌پردازد. از نظر وی، مفسرانی که آیه را به معنای قرائت تفسیر کرده‌اند، خود در تبیین مصادیق این قرائت

بر سر وجوه مختلفی اختلاف نظر دارند. وی این وجوه را در پنج دسته برمی‌شمارد: وجه اول، تدبر در قرآن و عمل به احکام آن مانند حلال و حرام است. وجه دوم، خضوع و خشوع در هنگام تلاوت، به ویژه در نماز و خلوت است. وجه سوم، عمل به محکمات، ایمان به متشابهات و واگذاری امور مشکِل به خداوند است. وجه چهارم، خوانش قرآن به همان صورت نازل شده، بدون تحریف لفظی یا تأویل ناروا است. در نهایت، وجه پنجم که به نظر می‌رسد نظر نهایی فخر رازی باشد، جمع‌بندی همه این معانی تحت یک مفهوم جامع است؛ مفهومی که در همه این وجوه مشترک است، یعنی «تعظیم قرآن و سرسپردگی کامل به آن» هم در لفظ و هم در معنا. او استدلال می‌کند که حمل آیه بر این معنای مشترک، باعث افزایش فواید و درک برکات کلام الهی می‌شود (فخررازی، ۱۴۲۰: ۴/ ۳۰).

به اعتقاد زمخشری حق تلاوت آن است که قرآن را تحریف نمی‌کنند و آنچه از توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله در آن است را تغییر نمی‌دهند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/ ۱۸۳).

از دیدگاه آلوسی حق تلاوت همان حق قرائت است و آن قرائتی است که با حضور قلب باشد که در این صورت هم لفظ هم معنا و هم حق امر و نهی در آن رعایت می‌شود (آلوسی، ۱۴۰۵: ۱/ ۳۸۰).

نتیجه

بعد از بیان نظرات مفسران شیعه و اهل سنت در مقام نتیجه‌گیری به این نکته باید توجه داشت که داستان و شأن نزول آیات قرآن معمولًا موجب انحصار آیه در آن مورد نمی‌شود و ممکن است آیه‌ای به مناسبتی نازل شود، ولی معنای آن عام و فراگیر باشد؛ پس مانعی ندارد که آیه فوق در مورد برخی از اهل کتاب باشد، اما مفاد آن شامل همه مسلمانان نیز بشود که این امر در نظرات شیعه و اهل سنت مشهود بود و با وجودی که شأن نزول را اهل کتاب می‌دانستند اما در عین حال هنگام معنا کردن و تفسیر آیه، آن را تعمیم داده و مسلمانان و اصحاب پیامبر اکرمﷺ را نیز شامل این آیه شریفه می‌دانستند.

تلاوت کتاب خدا به معنای قرائت کردن همراه با عمل به محتوای آن است؛ واژه

«تلاوت» از ماده «تلی» به معنای تبعیت و متابعت (از پی در آمدن) است که گاهی جسم چیزی در پی چیز دیگر در می‌آید و گاهی اقتدا به چیزی و عمل بر طبق آن می‌شود. در قرآن کریم مناسب همان عمل خواهد بود پس تلاوت اخص از قرائت است. البته شیخ طوسی برای تلاوت دو معنای قرائت و تبعیت ذکر می‌کند و معنای قرائت را صحیح می‌داند (طوسی، ۱۴۰۹: ۱/ ۴۴۲) نه اتباع و تبعیت که این قول با نظر ما منافاتی ندارد چرا که بر اساس نظری که ما بیان کردیم هم تلاوت همان قرائت خواهد بود اما نوعی خاصی از قرائت که همراه با عمل نیز باشد که فخر رازی نیز این نکته را گوشزد کرده بود. در واقع می‌توان گفت مردم در برابر آیات الهی چند گروهند:

الف) گروهی فقط الفاظ آیات را می‌خوانند.

ب) گروه دیگری از الفاظ فراتر می‌روند و در معانی دقت می‌کنند.

ج) گروه سوم، قرآن را به عنوان یک برنامه کامل زندگی می‌پذیرند؛ یعنی خواندن الفاظ و درک مفاهیم را مقدمه‌ای برای عمل می‌دانند که در اقوال ذکرشده از تفاسیر شیعه و اهل سنت گذشت این حق تلاوت است.

به طور کلی می‌توان گفت که مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر آیه شریفه ۱۲۱سوره بقره تفاوت عمده‌ای نداشته بلکه در شأن نزول و تفسیر الذین و الکتاب و نیز حق تلاوت، تفاسیر مشترکی با یکدیگر دارند و این نظرات در میان فریقین یافت می‌شود.

تنها نکته افتراقی که به چشم می‌خورد این است که اکثر مفسران اهل سنت علاوه بر بحث تفسیری به مباحث ادبی و نحوی آیه شریفه نیز دقت داشته و سعی کرده‌اند آیه مورد نظر را به لحاظ نحوی نیز بررسی نمایند که این نکته در تفاسیر شیعه کم رنگ بوده و در تفاسیر بررسی شده از شیعه غیر از طبرسی، مفسر دیگری متعرض مباحث ادبی و نحوی آیه شریفه نشده است و حال آنکه اکثر مفسران اهل سنت به مباحث ادبی و نحوی آیه نیز پرداخته‌اند.

جدول مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های مفسران فریقین در تفسیر آیه ۱۲۱ سوره بقره

محور مقایسه	دیدگاه مفسران شیعه	دیدگاه مفسران اهل سنت	نتیجه تطبیقی

معنای «یتلونه»	تلاوت همراه با تدبر و پیروی عملی	تلاوت همراه با قرائت صحیح، تدبر و تبلیغ	اشتراک در تدبر و عمل، تفاوت در تأکید بر تبلیغ
«حق تلاوته»	قرائت صحیح + ایمان قلبی + فهم معانی + عمل کامل به آیات (تأکید بر ولایت و امامت)	قرائت صحیح + ایمان + عمل + تبلیغ و دعوت به کتاب	اشتراک در اصول، تفاوت در بُعد ولایی و تبلیغی
مصداق‌یابی «الذین آتیناهم الکتاب»	اهل‌بیت پیامبر ﷺ و پیروان راستین آنان	مسلمانان و اهل کتابی که به پیامبر ایمان آورده‌اند	افتراق در مصادیق
بُعد اعتقادی	پیوند مستقیم با امامت و ولایت؛ مصداق کامل، امامان معصوم علیهم‌السلام	تأکید بر عموم ایمان به قرآن و پیامبر اسلام	افتراق در مبانی کلامی
هدف نهایی از تلاوت	تحقق ایمان حقیقی و التزام کامل به ولایت الهی	تحقق ایمان، عمل صالح و نشر معارف قرآن	اشتراک در محور ایمان، تفاوت در بسط معنا
کارکرد تربیتی	تربیت ولایی و قرآنی، پیروی از امامان به‌عنوان مفسران حقیقی	تربیت ایمانی و قرآنی، عمل اجتماعی و تبلیغی	هر دو کارکرد تربیتی دارند با تفاوت در مرجعیت

کتابنامه

قرآن کریم

آلوسی، شهاب‌الدین سید محمود، **روح المعانی فی تفسیر القرآن**، داراحیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۴۰۵ق.

ابن ابی‌حاتم، عبدالرحمن، **تفسیر القرآن العظیم**، به کوشش اسعد محمد الطیب، بیروت، المکتبةالعصریة، چاپ دوم، ۱۴۱۹ق.

ابن جزی غرناطی، محمد بن احمد، **التسهیل لعلوم التنزیل**، شرکت دارالارقم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

ابن فارس، احمد، **معجم مقائیس اللغه**، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، دارصادر بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.

اندلسی، ابوحیان، **البحر المحیط فی التفسیر**، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ق.

بغدادی، علاءالدین علی بن محمد بن ابراهیم، **تفسیر الخازن**، بیروت، دار الفکر، ۱۳۹۹ق.

بغوی، حسین بن مسعود، **معالم التنزیل فی تفسیر القرآن**، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.

بیضاوی، عبدالله بن عمر، **انوار التنزیل و اسرار التأویل**، مؤسسه شعبان بیروت، ۱۴۲۱ق.

ثعلبی نیشابوری، **الکشف و البیان**، تحقیق ابی‌محمد ابن عاشور، دارالإحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.

جوادی آملی، عبدالله، **تسنیم (تفسیر قرآن کریم)**، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸.

حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة**، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ق.

دیلمی، حسن بن محمد، **ارشادالقلوب الی الصواب**، الشریف الرضی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

رازی، حسین بن علی ابوالفتوح، **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۵.

راغب اصفهانی، **مفردات ألفاظ القرآن**، ذوی‌القربی، چاپ پنجم، ۱۴۲۶ق.
زمخشری، محمود ابن عمر، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
سیواسی، احمد بن محمود، **عیون التفاسیر**، بیروت، دارالصادر، ۱۴۲۷ق.
سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
شریف‌رضی، محمد بن حسین، **المجازات النبویة**، مکتبه بصیرتی، قم، بی‌تا.
طباطبایی سید محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
طبرانی ابوالقاسم، سلیمان بن احمد، **التفسیر الکبیر**، بیروت، دار احیاءالتراث العربی، بی‌تا.
طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ق.
طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
طوسی، محمد بن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
طیب، عبدالحسین، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۶۶.
عبدالباقی، محمدفؤاد، **المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم**، نشر اسلامی، ۱۳۹۳.
عسکری، حسن بن عبدالله، **معجم الفروق اللغویة**، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۰.
عیاشی، محمد بن مسعود، **التفسیر**، المکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۳۹.
فخررازی، محمد بن عمر، **مفاتیح الغیب**، بیروت، داراحیاء التراث العرب، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
فراهیدی، خلیل ابن احمد، **کتاب العین**، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
فیض کاشانی، ملامحسن محمد، **تفسیر الصافی**، دارالکتب اسلامیة. ۱۴۱۹ق.
قرطبی، محمد بن احمد، **الجامع لاحکام القرآن**، دارالکتب العربی، ۱۳۷۸ق.
کاشانی، ملا فتح‌الله، **زبدة التفاسیر**، مؤسسه بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۲۳ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

ماوردی، ابی‌الحسن علی بن محمد، **النکت و العیون (تفسیر الماوردی)**، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی‌تا.

میبدی رشیدالدین، **کشف الأسرار و عده‌الأبرار**، امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱.